



چارچوب سیاست فرهنگی بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران؛ پژوهشی آمیخته

محمد نیک‌بین^۱، غلامرضا ذاکر صالحی^۲، رضا ماحوزی^۳

دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۰۸ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۳

چکیده

بین‌المللی شدن به‌عنوان موضوعی اصلی و پدیده‌ای گسترده در آموزش عالی تبدیل شده است. یکی از جنبه‌های سیاست‌گذاری در این حوزه توجه به ابعاد فرهنگی بین‌المللی شدن آموزش عالی است که شرایط را برای پذیرش این پدیده آماده و از برخورد تضادها جلوگیری می‌کند. با توجه به اهمیت مباحث فرهنگی و نقش بازتولیدی فرهنگ در آموزش عالی این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که از منظر فرهنگی برای بین‌المللی شدن آموزش عالی چه الزاماتی مورد نیاز است؟ برای پاسخ به این پرسش از روش تحقیق آمیخته (کیفی و کمی) استفاده شد. در مرحله کیفی با ۱۳ نفر از خبرگان و مدیران بین‌الملل دانشگاه مصاحبه نیمه‌ساختاریافته صورت گرفت و سپس داده‌های آن توسط روش تحلیل محتوای استقرایی، بررسی شد. در مرحله کمی نیز پس از تحلیل داده‌های کیفی و مشخص شدن مؤلفه‌های اصلی، یک پرسش‌نامه محقق‌ساخته بین مدیران بین‌الملل، کارشناسان و خبرگان آموزش عالی توزیع شد و داده‌های آن با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که برای ارتقاء بین‌المللی شدن آموزش عالی ایران باید به اتخاذ سیاست فرهنگی در سطوح حکمرانی، محیط بین‌الملل، محیط داخلی (فرهنگ ملی) و دانشگاه و مراکز آموزش عالی به‌صورت توأمان اقدام و در هر مورد می‌بایست سیاست‌های مناسبی اتخاذ کرد. پیشنهاد اصلی این مقاله در قالب یک الگوی جامع و کل‌گرا مبتنی بر همه سطوح و محیط دور و نزدیک آموزش عالی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: سیاست فرهنگی، آموزش عالی ایران، بین‌المللی شدن، حکمرانی، فرهنگ ملی

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

m.nikbin@iscs.ac.ir

۲. دانشیار گروه مطالعات تطبیقی و نوآوری در آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران.

Rsalehi514@gmail.com

۳. دانشیار گروه مطالعات فرهنگی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران.

mahoozi@iscs.ac.ir

۱. مقدمه

بین‌المللی شدن آموزش عالی در دهه‌های اخیر به‌طور قابل توجهی در دستورکار سیستم‌های آموزش عالی جهانی قرار گرفته است. گسترش بین‌المللی شدن آموزش عالی چارچوب مفهومی آموزش عالی را بازبینی کرده و دامنه، مقیاس و اهمیت آن را دوباره شکل داده است. با توجه به این روند جهانی، از دانشگاه‌ها انتظار می‌رود که در شبکه دانش جهانی نقش کلیدی ایفا کنند. این امر امروزه تأثیر مهمی بر شکل‌گیری مأموریت‌ها، برنامه‌های راهبردی و اقدامات عملی نهادهای آموزش عالی در این محیط دارد.

بین‌المللی شدن آموزش عالی پدیده‌ای نسبتاً جدید و از لحاظ مفهومی گسترده و متنوع است و به‌عنوان پاسخ دانشگاه به تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که حاصل از جهانی شدن می‌باشد، شناخته شده است (والیولیس و والیولیس^۱، ۲۰۰۹، ۱۹۲). با این وجود، تعیین دقیق معنا و دامنه این پدیده برجسته اجتماعی بسیار دشوار است (چان^۲، ۲۰۱۳، ۳۱۶). نایت^۳ (۲۰۱۵) بین‌المللی شدن آموزش عالی را در سطح ملی، نهادی و بخشی این‌گونه تعریف می‌کند: «فرایند تلفیق ابعاد بین‌المللی، بین‌فرهنگی و جهانی در اهداف، مأموریت‌ها، کارکردها و نیز عرضه آموزش عالی». تعریف جامع دیگری که توسط «مرکز بین‌المللی شدن و مداخلات جهانی^۴» ارائه شده چنین است: «بین‌المللی شدن فرایندی است که در جست‌وجوی هماهنگی و یکپارچه‌سازی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های بین‌المللی و موقعیت‌های دانشگاه‌ها و کالج‌هاست.» (وب سایت مرکز بین‌المللی شدن و ملاحظات جهانی مشاهده شده در ۹۶/۰۸/۱۸).

به‌طورکلی، در مفهوم بین‌المللی شدن فرهنگ، روابط بین ملت‌ها و سیاست‌های ملی به‌طور گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفته شده است. در چنین شرایطی بین‌المللی شدن آموزش عالی بر تبادل متقابل ایده‌ها و فرهنگ ملی تأکید دارد. بین‌المللی شدن به‌عنوان عنصر کلیدی سرمایه فرهنگی محسوب می‌شود که به‌دنبال توسعه فارغ‌التحصیلان و کارکنانی است که مسئول، توانا، خودآگاه، و دلسوز باشند (رابسون و همکاران^۵، ۲۰۱۷، ۱۹). بین‌المللی شدن موضوعی فراتر از اجرای بُعد بین‌الملل در دانشگاه بوده و شامل تبادل فرهنگ و ارزش‌ها و



1. Valitulis
2. Chan
3. Knight
4. Center for Internationalization and Global Engagement (CIGE)
5. Robson

تفاهم مشترک و احترام به تفاوت‌ها نیز می‌باشد (ریان^۱، ۲۰۱۳، ۴-۱). انجمن بین‌المللی دانشگاه‌ها، بین‌المللی شدن را به‌عنوان فرصتی برای ترویج تنوع فرهنگی، تقویت فهم بین‌فرهنگی، احترام و تساهل در میان مردم می‌داند. از جمله اهداف فرهنگی - اجتماعی بین‌المللی شدن را می‌توان تنوع فرهنگی در دانشگاه، یادگیری فرهنگی و افزایش سواد فرهنگی برشمرد (خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۴، ۴۷-۴۵).

در باب اهمیت سیاست‌گذاری فرهنگی در بین‌المللی شدن آموزش عالی می‌توان به تجارب کشورهای چون امریکا اشاره داشت. یکی از مواردی که سیاست‌گذاران آموزش عالی در امریکا در موضوع بین‌المللی شدن آموزش عالی به آن توجه دارند مسئله تفاهم بین‌فرهنگی است. در کانادا در بین‌المللی شدن آموزش عالی، ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن برای دولت کانادا ارجحیت دارد. باور عمومی در کانادا این است که بین‌المللی شدن آموزش عالی منجر به توسعه علمی، فناوری و فرهنگی بیشتر در جامعه کانادا می‌شود. در استرالیا دانشگاه‌های این کشور دو ارزش و هدف را از بین‌المللی شدن پی می‌گیرند: نخست، صدور و تجارت آموزش عالی؛ و دوم، اهداف علمی و فرهنگ‌محور شامل همکاری بین‌المللی در رابطه با توسعه کشورهای فقیر در زمینه‌های مختلف آموزشی، اجتماعی و فرهنگی (خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۵، ۱۶۴-۱۳۰).

نهاد آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به‌طوری‌که، رهبران و سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی ایران ضمن اذعان به اهمیت این نهاد علمی و نیاز به تربیت نیروی انسانی تحصیل‌کرده، آن را نه به‌عنوان نهادی صرفاً علمی بلکه بخشی از فرایندهای سیاسی و مکان مناسبی برای آموزش‌های ایدئولوژیک می‌دانند (نبوی، ۱۳۹۲، ۲۱۱). پس از انقلاب اسلامی و با بازگشایی مجدد دانشگاه‌ها در ایران، بین‌المللی شدن آموزش عالی متناسب با رویکرد درک و فهم متقابل و با تأکید بر بُعد فرهنگی و انتقال مفاهیم و ارزش‌های انقلاب به‌مثابه اولوی مهم در سیاست آموزشی کشور در نظر گرفته شد. ایجاد دانشگاه امام خمینی (ره) و پس از آن توجه به این موضوع در اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴، قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، سند دانشگاه اسلامی، نقشه جامع علمی کشور و سند رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان اسلام همواره مورد توجه بوده است (خراسانی، ۱۳۹۵، ۱۹۸). دانشگاه‌های ایران مانند دیگر دانشگاه‌های دنیا برای یافتن





هویت بین‌المللی، صدور دانش و یافته‌های علمی، تبادلات دانشجویی، برطرف کردن تنگنای مالی، افزایش کیفیت آموزشی و گسترش چندفرهنگ‌گرایی به این سمت سوق خواهد یافت (خراسانی، ۱۳۹۵، ۱۸۳). به‌رغم ظرفیت و توانمندی موجود در موضوع بین‌المللی شدن، از جمله ظرفیت‌های ژئوکالچر (تنوع فرهنگی، تنوع زبانی، تنوع دینی، تنوع اقلیمی، تنوع نژادی)، سابقه تاریخی در عرصه آموزش عالی، موقعیت خاص ژئوپلیتیک (جغرافیایی و سیاسی)، آموزش عالی ارزان، تعدد و تکثر دوره‌ها و واحدهای دانشگاهی و بسیاری از ویژگی‌ها و مزایای جانبی دیگر از عوامل اثرگذار برای نیل به یک نظام آموزش عالی معتبر و بین‌المللی در ایران است اما تاکنون سیاست‌گذاری استراتژیک، تخصیص اعتبار خاص و سرمایه‌گذاری عمده بر آن وجود ندارد (خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۵، ۲۳۱).

حرکت به سوی بین‌المللی شدن آموزش عالی مستلزم درک و پذیرش مجموعه‌ای از پیش‌نیازهای فکری و ذهنی است. در شرایط فعلی، سه چالش عمده پیش‌روی آموزش عالی کشور وجود دارد: ۱. کنار آمدن با تعارض کمیت و کیفیت با توجه به انتظارات جدید از حوزه علم و فناوری؛ ۲. چگونگی مواجهه با تحولات ناشی از جهانی شدن و بازآفرینی نقش دانشگاه و کارکردهای اساسی آن در پاسخ به محیط خارجی؛ و ۳. نیازهای محیط داخلی (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۵). با توجه به این چالش‌ها، موانع پیش‌روی بین‌المللی شدن در ایران را می‌توان به دو سطح درون‌بخشی و برون‌بخشی تقسیم کرد. در سطح درون‌بخشی، فقدان استقلال سازمانی دانشگاه، وجود فرهنگ سیاست‌گذاری ناپایدار و غیر حرفه‌ای و ناهمگنی و ناهماهنگی کارکردی صف و ستاد و در سطح برون‌بخشی شرایط اجتماعی فرهنگی و عوامل سیاسی غیرمتعارف به چشم می‌خورد (خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۵، ۲۳۰).

آموزش عالی به‌عنوان جزء ضروری فرهنگ می‌باشد و یک جامعه نمی‌تواند آن را به‌عنوان کالایی ساده در نظر بگیرد (آلتباخ^۱، ۲۰۱۵، ۳). نهاد آموزش عالی در ایران کارکرد بازتولید فرهنگ حاکم را دارد و در برابر اثراتی که بین‌المللی شدن آموزش عالی می‌تواند بر فرهنگ کشور داشته باشد نمی‌تواند منفعل عمل کند. از سوی دیگر، بین‌المللی شدن آموزش عالی مزیتی است که نمی‌توان نسبت به آن بی‌اعتنا بود و این مسئله، خواه‌ناخواه سیستم آموزش عالی را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد.



همان‌طور که در مورد اهمیت فرهنگ در بین‌المللی شدن آموزش عالی اشاره شد، برای ورود به بین‌المللی شدن نیاز به سیاست فرهنگی است^۱ که تا زمانی که فراهم نشود نمی‌توان به بین‌المللی شدن در دانشگاه‌های کشور امید داشت. فرض این است که سیاست‌گذاران کشور برای ورود به بین‌المللی شدن آموزش عالی به اتخاذ سیاستی برای ابعاد فرهنگی بین‌المللی شدن مبادرت ورزند. بدین معنی که، با انتخاب بازیگران حکومتی، تعریف محتوای این سیاست فرهنگی، شناسایی مسائل و موانع فرهنگی موجود در این راه، و زیرساخت فرهنگی برای بین‌المللی شدن مشخص می‌شود و سپس، بایسته‌های فرهنگی آن برای رسیدن به توسعه علمی امکان‌پذیر خواهد شد (گری^۲، ۱۹۹۶، ۲۱۵). مسئله اصلی مطالعه حاضر این است که چارچوب این سیاست فرهنگی کدام است و چگونه می‌توان آن‌ها را در قالب یک مدل مفهومی منسجم سازماندهی کرد؟ این سیاست‌ها در محیط دور و نزدیک دانشگاه کدام‌اند؟

۲. پیشینه تحقیق

بین‌المللی شدن آموزش عالی مفهومی است که از دهه ۱۹۹۰ وارد ادبیات این حوزه شد. صاحب‌نظران، اساتید و دانشجویان به واکاوی این مفهوم پرداخته و در بیان ابعاد آن مفهوم برای توسعه علمی کشور خود اهتمام ورزیدند. به‌طورکلی، در تحقیقاتی که در مورد بین‌المللی شدن انجام شده است به دو روند توجه شده است: روند اول، مدیریت و فرایند بین‌المللی شدن در سطح سازمانی، شامل توجه به کیفیت، مواد آموزشی و توسعه راهبردی؛ و دوم، چشم‌اندازها و تجربیات بازیگران درگیر در بین‌المللی شدن، نیازهای آموزشی و اجتماعی ساختارهای حمایتی، و مذاکره هویت در حوزه آموزش عالی جهانی و بین‌المللی است (بدنلیئر، کنداکسی و زاواکی ریشتر^۳، ۲۰۱۷، ۱۲۷). در ادبیاتی که توسط نویسندگان خارجی نگاشته شده، به موضوع فرهنگ در بین‌المللی شدن پرداخته شده است. در ادبیات داخلی، پژوهش عمیقی در رابطه با ابعاد فرهنگی بین‌المللی شدن، چالش‌ها و راهکارهای عملیاتی و سیاستی مواجهه با آن‌ها صورت نگرفته است. این امر در ادبیاتی که در این زمینه در کشورمان

۱. منظور از سیاست فرهنگی در این مقاله، چارچوب روش‌شناسی یا ابزار تحلیل روشی نیست، بلکه منظور رویکردی است که در سطح ملی به‌عنوان یک خط مشی مستمر، برجسته و به‌صورت ضمنی یا آشکار به آن عمل شود.

2. Gray

3. Bedenlier, Kondakci, & Zawacki-Richter

به آن پرداخته شده مشهود است. با توجه به اینکه برآیند بین‌المللی شدن به ارتقای آموزش عالی در کشور منجر می‌شود، به‌منظور توسعه علمی در کشور ضروری است با توجه به ظرفیت‌های خود در زمینه بُعد فرهنگی بین‌المللی شدن، به اتخاذ سیاست عملیاتی روی آوریم. این امر اهتمام بیشتر پژوهشگران این حوزه در تولید محتوای لازم برای سیاست‌گذاران را می‌طلبد. در جداول شماره (۱) و (۲)، به اختصار، به نمونه‌های مطالعات داخل و خارج از کشور می‌پردازیم.

جدول شماره (۱). نمونه مطالعات انجام شده در خارج از کشور

پژوهشگر	سال	خلاصه یافته‌ها
بدنلیز	۲۰۱۷	محقق در نتیجه‌ای که از بررسی و مقایسه مقاله‌های نشریه مطالعات در آموزش بین‌الملل به دست می‌آورد یافته‌های خود را به چند دوره تقسیم می‌کند: ۱. تعریف موضوع (۲۰۰۱-۱۹۹۷)، نهادینه شدن و مدیریت بین‌المللی شدن (۲۰۰۲-۲۰۰۶)؛ ۲. پیامدهای بین‌المللی شدن: نیازهای دانشجویی و ساختارهای حمایتی (۲۰۱۱-۲۰۰۷)؛ و ۳. حرکت از محیط نهادی به فراملی بین‌المللی شدن (۲۰۱۶-۲۰۱۲). در تمامی این موج تحقیقاتی نقش فرهنگ وجود دارد و در تحقیقات اخیر، بین‌المللی شدن سهم زیادی را شامل می‌شود.
لامبی و فوسکت ^۱	۲۰۱۵	بین‌المللی شدن و تغییر فرهنگ مربوط به منازعه قدرت است. آن‌ها دو دیدگاه در رابطه با بین‌المللی شدن و فرهنگ ارائه می‌دهند: (۱) تجانس؛ و (۲) پذیرش تفاوت و تنوع یا عدم همگنی. در این دسته‌بندی چهار نگاه قابل بررسی است: (۱) بین‌المللی شدن یعنی اینکه دانشجویان خارجی را جذب کنیم تا فرهنگ کشور میزبان را بفهمند؛ (۲) بین‌المللی شدن تبادل فرهنگی است که تفاوت فرهنگی در آن مورد تأکید و ارزشمند است؛ (۳) بین‌المللی شدن یعنی مشارکت همه در فرهنگ همگن شده جهانی؛ و (۴) بین‌المللی شدن شامل گروهی است که دارای فرهنگی مشترکی بوده و معیارهای شهروند جهانی را دارند.
ژیان ^۲	۲۰۰۸	مدل‌های غربی بین‌المللی شدن آموزش عالی دو اثر دارند که خطر امنیت فرهنگی ایجاد می‌کند: (۱) آن‌ها به‌طورکامل مناسب قرارگرفتن در مکان دیگر نیستند و اغلب ساختارهای بومی را مختل می‌کنند؛ و (۲) از توسعه مدل صحیح محلی و منطقه‌ای که مبتنی بر ارزش‌ها و روابط در این جوامع (از جمله: ارزش‌های مذهبی، مفهوم اقتدار و رهبری و اعمال مرتبط اقتصادی و سیاسی) است، جلوگیری می‌کنند.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۷۰

دوره ۱۰، شماره ۲
بهار ۱۳۹۷
پیاپی ۳۸

1. Lumby& Foskett
2. Xian

پژوهشگر	سال	خلاصه یافته‌ها
ویدال سوارز، گونزالس دیاز و لوپزدوارته ^۱	۲۰۱۳	این محققان با بررسی مقالاتی از سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ به بررسی اثرات فرهنگ ملی بر فرایند بین‌المللی شدن پرداختند. آن‌ها دریافتند که مطالب بسیاری از مقالات بر فاصله فرهنگی در تصمیمات و فرایند بین‌المللی شدن تأکید دارد و در برابر تأثیر فرهنگ ملی میزبان بر این فرایند به ندرت اشاره شده است که نقص در ادبیات موجود می‌باشد و پیشنهاد می‌دهند که در تحقیقات آتی باید به این امر پرداخته شود. از سوی دیگر، دید غرب‌گرای تحقیقات نیز غلبه دارد که باید پژوهش‌های دیگر در حوزه‌های جغرافیایی مختلف بیشتر شود.
بارتل ^۲	۲۰۰۳	فرهنگ دانشگاهی و ساختار کارکردی دانشگاه می‌تواند از راهبردهایی که برای به‌کارگیری بین‌المللی شدن دانشگاه استفاده می‌شود جلوگیری یا آن‌ها را تسهیل کند. برای اینکه بین‌المللی شدن مؤثر باشد باید فرهنگ داخلی خود را با قسمتی که با اهداف و راهبردهای جهانی شدن هم‌تراز است همسو کند.
آگنو و ونبالکوم ^۳	۲۰۰۹	هدف اصلی درک فرهنگ در بحث بین‌المللی شدن این است که از وقوع تضاد بین فرایندها، ساختارها، اولویت‌های نهادی موجود و نوظهور جلوگیری شود. آن‌ها مدلی تحت عنوان مدل آمادگی فرهنگی برای بین‌المللی شدن ارائه می‌کنند که از سه سطح تشکیل شده است: (۱) دانشکده و دانشجویان (خرد) (ماموریت؛ ۲) دیدگاه و مدیران دانشگاه (میانی)؛ و (۳) حکومت ملی (کلان).
مرتوا ^۴	۲۰۱۳	این محقق بین‌المللی شدن آموزش عالی را در سه سیستم آموزش عالی کشورهای انگلیس، چک و استرالیا مورد ارزیابی قرار داد. او دریافت که بین‌المللی شدن آموزش عالی به‌عنوان فرایندی پیچیده و چندلایه در حال پیشرفت است. اکثر دانشگاهیان در سه سیستم مورد آزمایش، بر این موارد تأکید دارند: پیچیدگی گسترش صلاحیت‌های بین‌المللی و بین‌فرهنگی مرتبط با زندگی شخصی و دانشگاهی؛ ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی تاریخی خاص سیستم‌های آموزش عالی؛ برجسته کردن برخی جنبه‌های بین‌المللی شدن در آموزش عالی؛ و انعکاس هشدارها زمانی که شیوه‌های خاصی از محیط‌های فرهنگی مختلف مورد توجه قرار می‌گیرند.
یعمینی و ساجی ^۵	۲۰۱۶	در بازه زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ موضوعات چندفرهنگی در تحقیقات بین‌المللی شدن روبه‌افزایش بوده است.



1. Vidal-Súarez, González-Díaz, & López-Duarte
2. Bartell
3. Agnew & Vanbalkom
4. Mertova
5. Yemini.& Sagie



پژوهشگر	سال	خلاصه یافته‌ها
مک‌دونالد ^۱	۲۰۱۴	درحالی‌که نیروهای عمده‌ای چون سیاست‌های حکومت و ساختارهای اعتبارگذار می‌توانند راهبردهای بین‌المللی شدن را شکل دهند، فرهنگ داخلی دانشگاه مربوطه نیز می‌تواند این کار را انجام دهد.
نوس بومر ^۲	۲۰۱۳	این محقق ارتباط قوی بین فرهنگ سازمانی و بین‌المللی شدن را به‌نمایش می‌گذارد. به‌نظر او، تحقیقات آینده، باید بین‌المللی شدن را به‌عنوان کارگزار تغییر در نهادهایی مورد‌خطاب قرار دهد که رهبر آن می‌خواهد از آن به‌عنوان ابزاری برای تغییر فرهنگ سازمانی استفاده کند.
اسپورن ^۳	۱۹۹۶	فرهنگ سازمانی در فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه ضرورتی است که در پاسخ به تقاضاهای متغیر محیطی جهان، منجر به بین‌المللی شدن واقعی، یکپارچه و دانشگاه‌محور می‌شود. از قدرت فرهنگ به‌عنوان راهبردی برای نهادینه‌سازی بین‌المللی شدن باید استفاده شود.
لوپز و کامبوتو ^۴	۲۰۱۱	از نظر این دو محقق، با توجه به تحولات ایجاد شده در شرایط کنونی و با توجه به بین‌المللی شدن و جهانی شدن تحولات آموزش، چندفرهنگی شدن آموزش عالی نیز به‌صورت عینی نمود یافته است. به‌بیان‌دیگر، چندفرهنگی شدن آموزش عالی در ادامه روند جهانی شدن آموزش پدید آمده است.

جدول شماره (۲). نمونه مطالعات انجام شده در ایران

پژوهشگر	سال	خلاصه یافته‌ها
ذاکر صالحی	۱۳۹۵	مراکز آموزش عالی که مزیت نسبی برای ورود به مبحث بین‌المللی شدن دارند باید به تمهید زیرساخت‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و اجتماعی، زبانی، حقوقی، مدیریتی، عمرانی و فنی لازم اهتمام کنند.
ماحوزی	۱۳۹۵	مسائل فرهنگی و اجتماعی را، چه به‌عنوان مؤلفه‌ای در عرض سه مؤلفه دیگر (آموزشی، پژوهشی و ارتباطات) بدانیم که دانشگاه بین‌المللی باید واجد آن‌ها باشد و چه بستر گسترده‌ای در نظر بگیریم که مؤلفه‌های دیگر را دربرمی‌گیرد، در هر دو صورت این جنبه فرهنگی است که هویت ممتاز و متمایزی به یک مرکز علمی می‌بخشد.

1. Mcdonald
2. Nussbaumer
3. Sporn
4. Lopez & Kambutu

پژوهشگر	سال	خلاصه یافته‌ها
مرشدی و خلیج	۱۳۹۲	نگارندگان سیاست‌های فرهنگی در آموزش عالی را تابع منطق کلی سیاست‌های فرهنگی نظام می‌دانند که بین الگوی وحدت فرهنگی و الگوی تکثرگرایی فرهنگی در رفت و برگشت بوده است. به نظر آنان، کارشناسانه نبودن این سیاست‌ها و نگاه تصدی‌گرایانه دولتی و مداخله نهنفته در آن‌ها، از مشکلات سیاست‌های فرهنگی آموزش عالی است.
صالحی عمران و کرمانی	۱۳۹۳	برای بین‌المللی شدن آموزش عالی باید نگاه سیاست‌گذاران، نگاهی کل‌نگر و همه‌جانبه باشد و ساختارهای مدیریتی و راهبردی را برای رسیدن به نتیجه مطلوب تعیین کرد.
خورسندی طاسکوه	۱۳۹۵	موانع پیشروی بین‌المللی شدن در ایران را می‌توان به دو سطح درون‌بخشی و بیرون‌بخشی تقسیم کرد. در سطح اول، فقدان استقلال سازمانی دانشگاه، وجود فرهنگ سیاست‌گذاری ناپایدار و غیرحرفه‌ای و ناهمگنی و ناهماهنگی کارکردی صف و ستاد و در سطح دیگر، شرایط فرهنگی-اجتماعی و عوامل سیاسی غیرمتعارف به چشم می‌خورد.
نظرزاده‌زارع، پورکریمی و ذاکر صالحی	۱۳۹۵	با ارائه الگوی شایستگی اعضای هیئت علمی در تعاملات بین‌المللی، یکی از مؤلفه‌های مهم را شایستگی میان‌فرهنگی می‌دانند که شامل: شناخت فرهنگی، خودآگاهی فرهنگی، احترام فرهنگی و رواداری فرهنگی است.
اباصلت خراسانی	۱۳۹۵	او بیان می‌دارد که راهبردهای ارتباطی، سیاسی، خدماتی و دانشگاهی نقش مؤثری در بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران دارد. بین‌المللی سازی آموزش عالی پدیده‌ای فراتر از درآمدزایی است که در گسترش این پدیده دلایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اثرگذار بوده است. او از جمله مهم‌ترین مشکلات فرهنگی بین‌المللی سازی آموزش عالی را انطباق نداشتن سیاست بین‌المللی سازی آموزش عالی با ارزش‌های فرهنگی اجتماعی کشورها می‌داند.



همان‌طور که در این جدول ذکر شده، به‌ویژه در پیشینه خارجی، موضوع فرهنگ به‌عنوان یک ضرورت در ادبیات بین‌المللی شدن، به‌خصوص در این چند سال اخیر، مورد توجه قرار گرفته است. در مقایسه پیشینه موضوع با این مقاله باید بیان کرد که منظور از فرهنگ در اکثر پژوهش‌های انجام شده، فرهنگ در سطح سازمانی (دانشگاه) می‌باشد که آن را از الزامات آمادگی برای بین‌المللی شدن می‌دانند. این مقاله با توجه به شرایط اجتماعی بومی و با توجه به مطالعات پیشین، اذعان دارد که در راستای سیاست فرهنگی بین‌المللی شدن دانشگاه‌های کشور رویکرد جامعی را می‌توان در چهار سطح به‌کار بست: محیط بین‌الملل، محیط داخلی، حکومت و دانشگاه. بنابراین، در بین‌المللی شدن، فرهنگ نه تنها در سطح سازمان بلکه در همه سطوح ذکر شده باید مورد توجه قرار گیرد.

۳. روش تحقیق

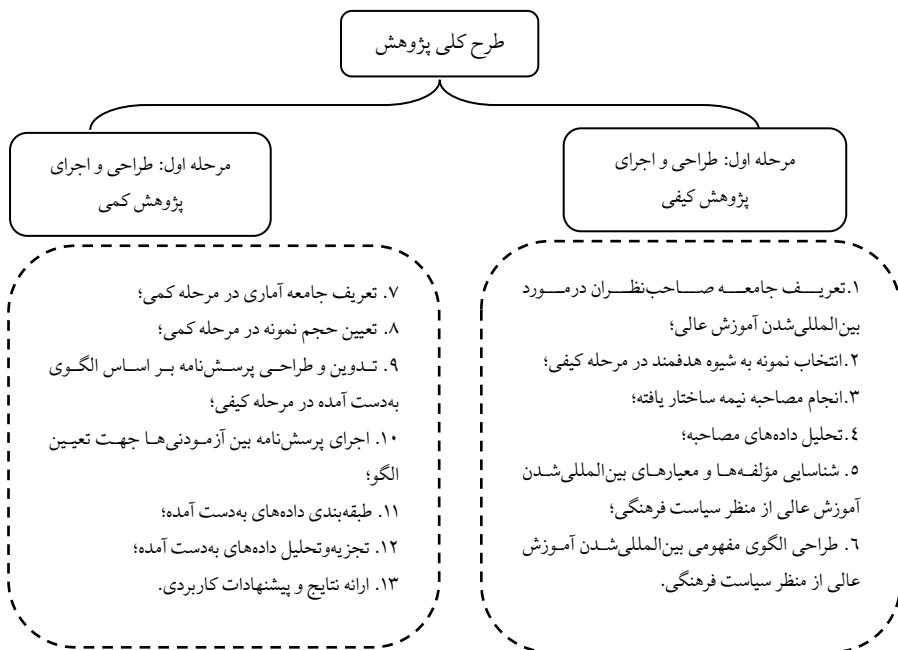
سؤال اصلی مقاله این است که برای ارتقای وضعیت فعلی بین‌المللی شدن آموزش عالی ایران چه زمینه‌ها و سیاست‌های فرهنگی مورد نیاز است؟ هدف اصلی در مقاله، طراحی و تبیین الگوی بین‌المللی شدن آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران از چشم‌انداز سیاست فرهنگی است تا به‌عنوان یک پشتیبانی فکری برای دستیابی به سند فرهنگی بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران در نظر گرفته شود. به این امید که بتواند به دانشگاه‌های کشور کمک کند تا با تأکید بر عوامل فرهنگی وارد فرایند بین‌المللی شدن آموزش عالی شوند.

این مقاله از لحاظ هدف، از نوع کاربردی است؛ چراکه به دنبال طراحی و تدوین الگوی فرهنگی بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران است. از نظر رویکرد و چگونگی گردآوری داده‌های مورد نیاز، پژوهشی آمیخته است؛ چرا که هدف آن است که شواهد بیشتری برای درک پدیده بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران از منظر سیاست فرهنگی به دست آید. با در نظر گرفتن اینکه پژوهشگر در آغاز درصدد کشف شواهد بیشتری درباره پدیده نامعین سیاست فرهنگی بین‌المللی شدن آموزش عالی است، از طرح تحقیق آمیخته متوالی اکتشافی استفاده کرده است که در آن ابتدا به گردآوری داده‌های کیفی و سپس داده‌های کمی پرداخته می‌شود. برای تجزیه داده‌ها در بخش کمی از روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده است. به منظور تعیین فراوانی‌های ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و فراوانی‌های پاسخ‌های داده‌شده به هریک از گویه‌ها، از آمار توصیفی استفاده شد. سپس داده‌های جمع‌آوری شده را با استفاده از شاخص‌های آماری توصیفی خلاصه و طبقه‌بندی شد. در بخش آمار توصیفی از جدول توزیع فراوانی و درصد، میانگین به‌عنوان شاخص گرایش مرکزی و از انحراف معیار و واریانس به‌عنوان شاخص‌های پراکندگی استفاده گردید.

در بخش آمار استنباطی، به منظور پردازش داده‌های مربوط به تأیید مؤلفه‌های سیاست فرهنگی بین‌المللی شدن در آموزش عالی، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. این نوع روش آماری مشتمل بر تعدادی از تکنیک‌های ریاضی و آماری مختلف اما مرتبط با هم است که به منظور تحقیق درباره ماهیت روابط بین متغیرهای یک مجموعه معین استفاده می‌شود. در واقع تحلیل عاملی، روشی است که با استفاده از آن می‌توان به دسته‌بندی متغیرها و مؤلفه‌های تبیین‌کننده یک مفهوم یا آزمودنی موجود در پژوهش پرداخت. تحلیل عاملی را به دو دسته



اکتشافی و تأییدی تقسیم می‌کنند. همچنین از روش‌های آمار استنباطی از قبیل آزمون کولموگروف، آزمون T تک‌نمونه‌ای و آزمون کای اسکوئر، کی‌ام او و بارتلت استفاده شد.



شکل شماره (۱). نمای کلی تحقیق

۱-۳. جامعه و شیوه نمونه‌گیری

در مرحله کیفی، جامعه آماری شامل افرادی بود که درک، آگاهی و تجربه کافی نسبت به پدیده مورد پژوهش داشتند. بنابراین، با توجه به موضوع، تلاش شد که از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته (۱۶ سؤال) با ۱۳ نفر از مدیران بین‌الملل دانشگاه‌های شهر تهران، جامعه‌المصطفی و دانشگاه قزوین اطلاعات جمع‌آوری شود. انتخاب شهر تهران به دلیل وجود دانشگاه‌های بزرگ و معتبر که از نظر بین‌المللی وضعیت بهتری دارند بوده است. همچنین دو دانشگاه یاد شده در قم و قزوین حجم زیادی از دانشجویان بین‌المللی ایران را به خود اختصاص داده‌اند. روش تحلیل داده‌ها، تحلیل محتوای استقرایی بود؛ بدین‌صورت که پس



از انجام مصاحبه‌ها، پژوهشگر مصاحبه‌های ضبط‌شده بر روی کاغذ نگاشته و سپس کدها را به‌صورتی کاملاً باز و بدون هیچ‌گونه محدودیتی شناسایی نمود. در مرحله اول (کدگذاری باز)، ۱۸۵ کد باز از مصاحبه‌ها استخراج شد. پژوهشگر این کدها را در فرایند مکرر با یکدیگر مقایسه نمود و در مرحله دوم، بعد از مراجعه مکرر به مصاحبه‌ها و بازبینی آن‌ها، کدهای تکراری حذف شد و تعداد کدهای به‌دست‌آمده به ۱۶ عدد رسید. سپس، با توجه به م‌اهیت این ۱۶ کد، و در راستای اعتباربخشی یافته‌های کیفی، از دو راهبرد بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان در پژوهش و بازبینی توسط همکاران استفاده شد.

جدول شماره (۳). مشخصات مصاحبه‌شوندگان در بخش کیفی

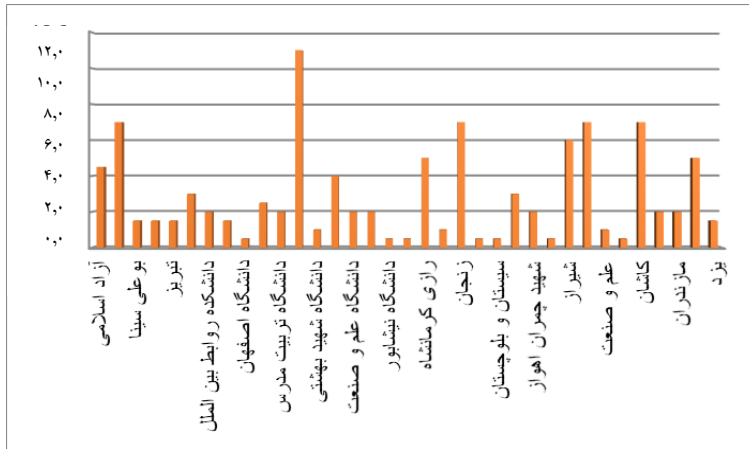
کد مصاحبه‌شونده	سمت	رشته تحصیلی	سابقه فعالیت		
			۱-۵	۵-۱۰	۱۰-۲۰
۱	مدیر دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه	دکتری روابط بین‌الملل	*		
۲	رئیس دانشکده	دکتری روابط بین‌الملل	*		
۳	مشاور معاون بین‌الملل دانشگاه علوم پزشکی	دکتری آینده پژوهی	*		
۴	مشاور رئیس جامعه المصطفی	دکتری جریانشناسی اسلامی	*		
۵	مدیر دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه	دکتری مهندسی نیروگاه	*		
۶	مدیر دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه	دکتری بیوشیمی	*		
۷	مدیر دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه	کارشناسی ارشد شیمی		*	
۸	مدیر دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه	کارشناسی ارشد زبان انگلیسی	*		
۹	کارشناس اداره امور ایرانیان	کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل	*		
۱۰	معاون بین‌الملل دانشگاه	دکتری اقتصاد	*		
۱۱	رئیس اداره آموزش وزارت خارجه	کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل	*		
۱۲	مشاور رئیس مرکز همکاری‌های علمی و بین‌الملل	دکتری روابط بین‌الملل	*		
۱۳	معاون اداره آموزش وزارت خارجه	دکتری روابط بین‌الملل	*		



در بخش کیفی، ملاک انتخاب جامعه آماری خبرگی بوده است. نمونه هدفمند این مطالعه شامل کسانی است که ملاک انتخاب آن‌ها به‌عنوان مدیر دفتر همکاری‌های بین‌المللی، آشنایی قبلی با این موضوع بوده و پس از شروع به‌کار در این سمت، تجارب عملی ارزشمندی کسب کرده‌اند. بنابراین، مدیران نه از حیث مدیر بودن بلکه از جهت خبرگی و آشنایی با مسئله تحقیق وارد نمونه هدفمند شدند. فهرست اولیه شامل حدود ۳۰ نفر بود که از بین آن‌ها ۱۳ نفر راضی به انجام مصاحبه شدند. پس از اشباع بخش نظری، ادامه مصاحبه متوقف گردید. در مرحله کمی، جامعه آماری شامل مدیران بین‌الملل، کارشناسان امور بین‌الملل دانشگاه‌ها و خبرگان علمی در حوزه بین‌المللی شدن آموزش عالی بود. دلیل انتخاب این جامعه این بود که پژوهشگر به دنبال تبیین الگوی فرهنگی بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران بود؛ بنابراین، به‌منظور تبیین، می‌بایست از نظرات آن دسته از مدیران و کارشناسان بین‌الملل دانشگاه‌ها استفاده می‌شد که دارای اطلاعات و دانش لازم در مورد بین‌المللی شدن آموزش عالی بودند و تجربه عملی با این موضوع را داشتند.

برای انتخاب افراد مورد مطالعه، با توجه به اینکه جامعه پژوهش تمام دانشگاه‌های دولتی را در بر می‌گرفت، تمامی دانشگاه‌هایی که دارای دفتر همکاری علمی بین‌الملل بودند در جامعه آماری قرار داده شدند. در بخش کمی، از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. این ابزار در راستای اعتبارسنجی الگوی استخراج شده از بخش کیفی مورد استفاده قرار گرفت. این پرسش‌نامه، بر اساس کدهای محوری حاصل از تحلیل کیفی مصاحبه‌ها و مقوله‌های تشکیل‌دهنده آن‌ها طراحی شد. در این پرسش‌نامه، در مورد الگوی بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران از منظر سیاست فرهنگی - که از داده‌های کیفی پژوهش استخراج شده بود - سؤالاتی طراحی و در اختیار جامعه پژوهش قرار داده شد. در این مدت، پژوهشگر از طریق ارسال الکترونیکی لینک پرسش‌نامه و مراجعه حضوری اقدام به پیگیری جهت تکمیل پرسش‌نامه‌های توزیع شده کرد. در نهایت، پس از گذشت سه ماه، تعداد ۲۰۰ نفر پرسش‌نامه را تکمیل و عودت دادند.





نمودار شماره (۱). پراکنده‌گی مخاطبان بر حسب دانشگاه محل خدمت

جدول شماره (۴). توزیع فراوانی مخاطبان بر حسب سمت

گزینه	فراوانی	درصد	درصد خالص	درصد تجمعی
کارشناس	۱۲۸	۶۴/۰	۶۴/۳	۶۴/۳
مدیر	۳۴	۱۷/۰	۱۷/۱	۸۱/۴
خبه علمی	۳۷	۱۸/۵	۱۸/۶	۱۰۰/۰
جمع	۱۹۹	۹۹/۵	۱۰۰/۰	-
بی پاسخ	۱	۵۰	-	-
جمع	۲۰۰	۱۰۰/۰	-	-

۲-۳. روایی و پایایی

در خصوص روایی محتوایی پرسش‌نامه، با توجه به اینکه مقوله‌ها و زیرمقوله‌های به دست آمده و مندرج در پرسش‌نامه کاملاً منطبق با یافته‌های کیفی بودند، می‌توان بیان داشت که ابزار روایی لازم را داشتند. همچنین روایی محتوایی پرسش‌نامه توسط تیم پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. علاوه بر این، روایی صوری پرسش‌نامه، که در خصوص ساختار ظاهری، ترتیب سؤالات و تناسب گویه‌ها می‌باشد، مورد تأیید استادان و تیم تحقیق قرار گرفت. در نهایت، پرسش‌نامه نهایی متشکل از ۶۲ گویه بود. از آنجاکه پایایی به دقت، اعتمادپذیری، ثبات یا



تکرارپذیری نتایج آزمون اشاره دارد، برای تعیین پایایی و کفایت حجم نمونه پرسش‌نامه، از شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده شد.

۳-۳. یافته‌های مرحله کیفی

بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها، سیاست فرهنگی در حوزه بین‌المللی شدن آموزش عالی در چهار سطح مورد توجه مشارکت‌کنندگان در مطالعه قرار گرفته است: (۱) محیط بین‌الملل؛ (۲) محیط داخلی (فرهنگ ملی)؛ (۳) حکومت؛ و (۴) دانشگاه (مراکز آموزش عالی). در جدول شماره (۵)، مشخصات این چهار سطح و مؤلفه‌های آن‌ها بیان شده است.

جدول شماره (۵). کدهای باز و مقوله‌های مربوط به سیاست فرهنگی بین‌المللی شدن آموزش عالی

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	نمونه‌هایی از کدهای باز استخراج‌شده
جهانی شدن و بافتار	جهانی شدن و ارتباطات، عامل مهم دسترسی به دانش و فرهنگ‌ها؛ جهانی شدن و بافتار آن، عامل بین‌المللی شدن دانشگاه.	
تعاملات علمی - فرهنگی بین‌المللی	شکل‌گیری ضرورت تعاملات بین‌الملل برای توسعه آموزش عالی؛ داشتن رابطه علمی و فرهنگی با ملل مختلف.	
محیط بین‌الملل	ارتباطات کشورها در گسترش بین‌المللی شدن؛ ایجاد فضای مناسب در سطح بین‌الملل؛ تأثیر دیپلماسی موفق با کشورها در تسریع بین‌المللی شدن.	
فضای مساعد دیپلماتیک	بین‌المللی شدن به‌عنوان رکنی از دیپلماسی عمومی؛ معرفی دانش برخاسته از فرهنگ، سنت و هویت خود در عرصه بین‌الملل.	
خودآگاهی فرهنگی	بنانهادن بین‌المللی شدن بر اساس الگوی فرهنگی بومی؛ استفاده از پیشینه تاریخی فرهنگی در بحث بین‌المللی شدن دانشگاه‌های کشور.	
محیط داخلی (فرهنگ ملی)	شناخت فرهنگی	آگاه‌بودن نسبت به تفاوت فرهنگی کشورها؛ عدم شناخت کشورها، اساتید و دانشجویان مانع مهم فرهنگی در زمینه بین‌المللی شدن.
پذیرش تنوع فرهنگی	پذیرش تنوع فرهنگی	ایجاد تنوع فرهنگی با تناسب در جذب دانشجویان از کشورهای مختلف؛ برگزاری مراسم فرهنگی دیگر کشورها برای گسترش تنوع فرهنگی.
دیگرپذیری و مدارای	دیگرپذیری و مدارای	شکل‌گیری مدارای فرهنگی در سطوح مختلف اجتماعی؛



فرهنگی	تقویت مدارای فرهنگی جامعه با فضای مساعد سیاسی بین‌المللی.
تقسیم‌کار ملی	هم‌افزایی با هماهنگی نهادهای حکومتی در زمینه بین‌المللی شدن؛ لزوم هماهنگی بخش‌های مختلف در روند بین‌المللی شدن.
گشودگی سیاسی	تأثیر فضای باز سیاسی بر تسهیل بین‌المللی شدن؛
فرهنگی	بازبودن فضای فرهنگی داخلی جهت پذیرش ظرفیت فرهنگ بین‌المللی شدن.
حکومت	انعطاف ساختارهای
مدیریتی	اجازه‌دادن به مدیران برای داشتن ابتکار سازمانی؛ رفع قوانین و بروکراسی مانع برای ابتکار مدیریتی؛
تعهد به بین‌المللی شدن	التزام حکومت به اولویت دادن به بین‌المللی شدن آموزش عالی؛ استفاده دولت از ظرفیتش در راستای بین‌المللی شدن.
ساختار دانشگاه	بازنگری در ساختارهای بین‌المللی دانشگاه؛ هماهنگی ساختاری معاونت و نهادهای درون‌دانشگاهی با دفتر همکاری‌های بین‌المللی.
مدیریت دانشگاه	تغییرات بینشی و روشی در مدیران دانشگاه؛ نگاه عمیق و راهبردی به جای نگاه سطحی و آماری مدیران به بین‌المللی شدن.
دانشگاه و مراکز آموزش عالی	فرهنگ‌سازی تعهد به خدمت صادقانه در دانشگاه؛ ترویج فرهنگ‌سازمانی مناسب به کارکنان دانشجویان دانشگاه.
فرهنگ دانشگاهی	توجه به استقلال نهادهای آموزش عالی در ارتباط با بین‌المللی شدن؛ مشخص کردن چارچوب فرهنگ و دادن استقلال در قالب آن به دانشگاه‌ها
استقلال دانشگاهی	برای تعاملات فرهنگی.

(نیک بین و همکاران، ۱۳۹۶، ۵۵)

۳-۴. یافته‌های مرحله کمی

برای بررسی مناسب و کفایت حجم نمونه جهت انجام تحلیل عاملی، آزمون کرویت بارتلت و آزمون کایزر مایر اولکین روی داده‌ها انجام شد. براساس داده‌ها، مقدار KMO در نمونه مورد بررسی (۰/۸۰) است. طبق نظر کیسر و سرنی^۱ وقتی مقدار KMO بزرگتر از ۰/۶ باشد، می‌توان از تحلیل عاملی استفاده کرد.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۸۰

دوره ۱۰، شماره ۲

بهار ۱۳۹۷

پیاپی ۳۸

1. Cerney and Kaiser

جدول شماره (۶). روایی آزمون کمی

شاخص کیفیت نمونه برداری KMO	.۸۰۷
مجذور خی دو	۴۱۷/۷۳۴۰
آزمون کرویت بارتلت	۱۴۳۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰

آزمون بارتلت همچنین نشان داد که ماتریس همبستگی دارای اطلاعات معنی دار بوده و شرایط لازم برای تحلیل عاملی وجود دارد. با توجه به این نتایج، آزمون بارتلت مناسب بودن نمونه را جهت تحلیل عاملی تأیید کرد. تحلیل عاملی با روش مؤلفه‌های اصلی بر داده‌های حاصل از پاسخ‌های نمونه مورد بررسی (۲۰۰ نفر) انجام شد. نتایج نشان می‌دهد، از بین عامل‌هایی که با استفاده از تحلیل مؤلفه‌های اصلی به دست آمد، ۱۳ عامل که دارای بیشترین ارزش ویژه بودند، انتخاب و چرخش داده شدند.

جدول شماره (۷). نتایج تحلیل عاملی

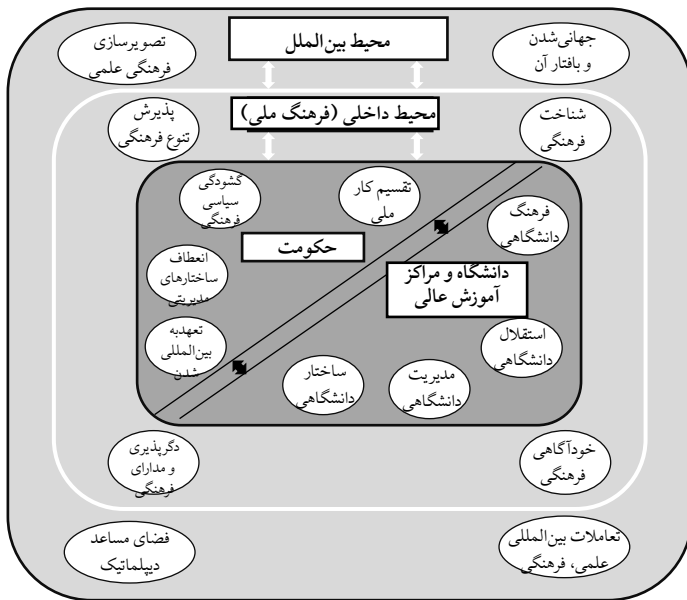
ردیف	عامل‌های تأیید شده	بار عامل نهایی
۱	جهانی‌شدن و بافتار	.۷۲۴
۲	تعاملات علمی فرهنگی بین‌المللی	.۶۲۵
۳	فضای مساعد دیپلماتیک و تصویرسازی علمی فرهنگی	.۶۱۳
۴	شناخت فرهنگی	.۶۴۱
۵	پذیرش تنوع فرهنگی	.۵۱۴
۶	دیگرپذیری و مدارای فرهنگی	.۶۶۳
۷	گشودگی سیاسی فرهنگی	.۶۹۲
۸	تقسیم کار ملی	.۶۲۳
۹	انعطاف ساختار مدیریتی	.۶۸۳
۱۰	تعهد به بین‌المللی‌شدن	.۶۱۶
۱۱	ساختار دانشگاه	.۶۲۷
۱۲	فرهنگ آکادمیک	.۵۴۶
۱۳	استقلال آکادمیک	.۸۴۰





باتوجه به ارزش‌های ویژه عامل‌ها (مجموع مجذورات ضرایب عاملی ماده‌ای موجود در هر عامل) ۱۳ عامل با ۶۳/۷۸ درصد از واریانس کل نمره‌ها، بالای ارزش ویژه ۱ قرار گرفته و واریانس عامل‌ها را تبیین می‌کند که نشان‌دهنده مناسب بودن آزمون است. از آنجاکه این قدرت تبیین به ۱۳ عامل موجود در آزمون نسبت داده شده است، لازم است که ماتریس همبستگی بین سؤالات و عوامل بررسی شوند.

قبل از چرخش، بین برخی از سؤال‌ها و عوامل، همبستگی منفی وجود داشت، اما پس از چرخش، علاوه بر از بین رفتن ضرایب همبستگی منفی، هماهنگی قابل ملاحظه‌ای نیز در همبستگی‌ها ایجاد شد. پس از دستیابی به ساختار عاملی مناسب، استخراج عامل‌ها انجام شد. نتایج حاصل از تحلیل عامل تأییدی، بیان‌گر برازش مدل در هر یک از چهار سطح محیط بین‌الملل، محیط داخلی (فرهنگ ملی)، حکومت (حکمرانی) و آموزش عالی بود. بدین معناکه، گویه‌ها و مؤلفه‌های مرتبط با هر یک از سطوح سیاست‌های فرهنگی بین‌المللی شدن آموزش عالی، سطوح ذکر شده را به درستی مورد سنجش قرار داده و در نتیجه، هر یک از بخش‌های الگو مورد تأیید قرار گرفت و به صورت معناداری منطبق بر وضعیت موجود بوده است.



شکل شماره (۲). مدل مفهومی برگرفته از داده‌های کمی و کیفی

۴. بحث

امروزه بین‌المللی‌شدن آموزش عالی به‌عنوان روندی جهانی شناخته می‌شود و نهادها و حکومت‌های ملی آن را به‌عنوان یکی از اولویت‌های سیاست آموزشی خود برگزیده‌اند. کشور ما نیز با توجه به اهمیت این موضوع برای نظام آموزش عالی در اسناد بالادستی، به‌نوعی با ورود دانشگاه‌های کشور به این موضوع موافقت کرده است اما مسئله زمانی پیش می‌آید که بین‌المللی‌شدن آموزش عالی موضوعی تک‌بعدی نیست که فقط به‌معنای افزایش تعداد دانشجویان خارجی باشد بلکه پدیده‌ای است که فراتر از این موضوع می‌باشد و کل سیستم و نهادهای حکومتی مرتبط را دربرمی‌گیرد. در این مقاله تلاش شد به این مسئله پرداخته شود که با توجه به اهمیت فرهنگ و مسائل فرهنگی در کشورمان، باید به بین‌المللی‌شدن آموزش عالی از منظر سیاست فرهنگی توجه شود. برای دستیابی به این موضوع، از روشی آمیخته از نوع کیفی و کمی استفاده شد. یافته‌های به‌دست آمده نشان داد برای اینکه بتوان بین‌المللی‌شدن آموزش عالی در ایران را تسریع و تسهیل کرد باید در چهار سطح حکومت، محیط داخلی (فرهنگ ملی)، محیط بین‌الملل و نظام آموزش عالی به اتخاذ سیاست‌های فرهنگی پرداخت که در مجموع شانزده مؤلفه را در برمی‌گیرد.

سطح محیط بین‌الملل دربرگیرنده عواملی است که برخی از آنها به‌طور اجتناب‌ناپذیری محیط داخلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر، این سطح محیط بین‌الملل مؤلفه‌ای است که در تصمیم‌گذاری‌ها سیاست‌گذاران حکومت برای تعریف سیاست فرهنگی بین‌المللی‌شدن تأثیر می‌گذارد. شرایط سیاسی و روابط بین‌الملل در جهت تصمیم‌گذاری‌ها سیاست‌گذاران کشور برای همکاری علمی یا پذیرش دانشجویان از یک کشور می‌تواند مؤثر باشد. ازسوی‌دیگر، سیاست فرهنگی اتخاذ شده بر محیط بین‌الملل اثرات مستقیم و غیرمستقیمی می‌تواند داشته باشد.

سطح محیط داخلی (فرهنگ ملی) به مؤلفه‌هایی اشاره دارد که پذیرش بین‌المللی‌شدن را برای جامعه تسهیل و تسریع می‌کند؛ در مقابل، سیاست‌هایی که شکل می‌گیرد باید با فرهنگ داخلی و ارزش‌های بومی منطبق بوده و خلاف مصلحت عمومی جامعه نباشد.

سطح حکومت به مؤلفه‌هایی اشاره دارد که به‌عنوان نهاد سیاست‌گذار تنها مرجعی است که قدرت رسمی شکل‌گیری و اجرای یک سیاست را دارد. در جمهوری اسلامی ایران با توجه به اینکه تمام نهاد آموزش عالی ما به‌نحوی در حیطه نظارت دولت قرار دارند؛





بنابراین، نخستین گام در هر تغییری در نهاد آموزش عالی کشور باید مورد موافقت حکومت قرار گیرد.

سطح نظام آموزش عالی دربرگیرنده مؤلفه‌هایی است که شرایط دانشگاه و مراکز آموزش عالی را برای بین‌المللی شدن و اجرای سیاست‌های فرهنگی بین‌المللی شدن فراهم کرده است. براساس سیاست‌های شکل گرفته، دانشگاه آمادگی فرهنگی بین‌المللی شدن را در درون و برون دانشگاه ایجاد خواهد کرد. در واقع، دانشگاه نقش انتقال سیاست‌ها را به محیط داخلی و خارجی بر عهده دارد که بازخورد آن‌ها در این دو محیط و سپس در مرحله بازبینی سیاستی حکومت قابل مشاهده است. برای اینکه بتوان به مقایسه مناسبی از یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های قبلی دست یافت این قسمت از دو بخش تشکیل شده است: در بخش اول به بررسی یافته‌های پژوهش با پژوهش‌هایی انجام شده پرداخته می‌شود و در بخش دیگر، به ارائه مقایسه مدل این پژوهش با برخی از مدل‌هایی که در زمینه بین‌المللی شدن ارائه شده می‌پردازیم.

با توجه به گستردگی بین‌المللی شدن، قدم اول این است که ابتدا به تعریفی دقیق از اهداف، دامنه و ابعاد بین‌المللی شدن برای نظام آموزش عالی دست یابیم؛ چرا که دانشگاه‌ها زمانی می‌توانند از بین‌المللی شدن آموزش عالی بهره ببرند که از مفاهیم غیردقیق و گسترده دور شوند و به ابعاد بین‌المللی شدن، ارزش‌ها و موانع آن دوباره توجه کنند (نوردا^۱، ۲۰۱۴). در این مقاله با توجه به مطالعات صورت گرفته تلاش شد از جنبه سیاست فرهنگی به بین‌المللی شدن پرداخته شود. بررسی ادبیاتی که در سال‌های اخیر در زمینه بین‌المللی شدن وجود دارد، مبین این تأکید است: بدنلیر (۲۰۱۷)، سوارز (۲۰۱۳) و یمینی (۲۰۱۶). برای نمونه، هاریس^۲ (۲۰۰۸) ضمن مخالفت با تقلیل بین‌المللی شدن آموزش عالی به ابزاری اقتصادی، بین‌المللی شدن فرهنگی را پیشنهاد می‌دهد. ویژگی‌های این مفهوم این است که دانشگاه ابزارگرا نخواهد بود، دوره‌هایش را برای دلایل محض اقتصادی توسعه نخواهد داد، در حوزه محتوای درسی تفاوت را در فرهنگ به رسمیت می‌شناسد و دانشگاه برنامه تبادل دانشجویان و کارکنان را تشویق می‌کند. به اعتقاد رابسون (۲۰۱۶)، تمرکز بر اهداف اجتماعی، فرهنگی و ارزش محور می‌تواند مفهوم‌سازی بین‌المللی شدن را قابل قبول‌تر کرده و یا از نظریه تولیدی پشتیبانی کند.

1.Noorda
2. Harris



همان‌طور که بیان شد یافته‌های این مقاله، چهار سطح محیط بین‌الملل، حکومت، محیط داخلی (فرهنگ ملی) و نهاد آموزش عالی را در بر می‌گیرد. با مقایسه یافته‌های مقاله با ادبیات موجود می‌توان نتیجه گرفت که سطوح و مؤلفه‌های به‌دست آمده، در برخی از ادبیات پژوهش که بررسی شد به صورت جداگانه مورد اشاره قرار گرفته‌اند و می‌توان یافته‌های این پژوهش را با آنها هم‌سو دانست؛ اما تحقیقی که به‌طور جامع این سطوح و مؤلفه‌های آن را بیان کند تاکنون منتشر نشده است. در میان ادبیات موجود، با وجودی که بر اهمیت نقش دولت در بین‌المللی‌شدن آموزش عالی تأکید می‌شود، اما سطح نهاد آموزش عالی برجسته است. این امر به این دلیل است که دانشگاه‌های کشورهای غربی استقلال آکادمیکی دارند، در صورتی که در کشور ما این سطح به اندازه سطح حکومت در سیاست‌گذاری برجسته نیست. در نتیجه، شاهد هستیم که در بسیاری از تحقیقات صورت‌گرفته سطح تحلیل نهاد و فرهنگ سازمانی آن اهمیت زیادی دارد و این امر نشان‌دهنده محیط فرهنگی است که تحقیق در آن انجام گرفته است. با توجه به این موضوعات، تلاش شد در مدلی که ارائه شده است، با دیدگاه کل‌نگر و از بعد سیاست فرهنگی به بین‌المللی‌شدن آموزش عالی در ایران پرداخته شود. در ادامه به تحقیقاتی اشاره می‌شود که هم‌سو با یافته‌های پژوهش است.

به نظر مرتکان و همکاران^۱ (۲۰۱۶)، حرکت به سمت بین‌المللی‌شدن آموزش عالی تنها به سطح نهادی محدود نمی‌شود، بلکه ضروری است نهادها و دولت‌ها به فرصت‌ها و چالش‌ها در سطح فردی، بخشی، ملی و منطقه‌ای، واکنش‌هایی تحول‌یافته نشان دهند. به اعتقاد هانتز و دوویت^۲ (۲۰۱۵)، واکنش‌هایی که دولت‌ها و نهادها نسبت به بین‌المللی‌شدن نشان می‌دهند می‌تواند فرهنگ و هویت دانشگاه را تغییر داده و اثرات برجسته‌ای بر فرهنگ ملی - که دانشگاه در آن قرار دارد - داشته باشد. همان‌طور که بین‌المللی‌شدن، دانشگاه‌ها را در سطح کیفی و کمی تغییر می‌دهد، تأثیرات مشابهی بر جامعه خواهد داشت. لاکاتوس^۳ (۲۰۱۳)، رویکرد فرهنگی و رفتار مؤسسات آموزش عالی را تحت تأثیر فرهنگ ملی و سیاست‌های آموزشی حکومت می‌داند. یونزاوا^۴ (۲۰۱۷)، به نقش مدیریت و ساختار در بین‌المللی‌شدن اشاره کرده

1. Mertkan
2. De wit & Hunter
3. Lacatus
4. Yonezawa



و بیان می‌کند که ساختار می‌تواند شکل دادن به یک فرهنگ حمایتی را بین کارکنان دانشگاه به حداکثر برساند. ساختار و فرهنگ باید به صورت یکپارچه در نظر گرفته شود. بین‌المللی شدن یک محیط دانشگاهی باید اصول حمایتی در بین افراد مختلفی که منجر به مشارکت فعال می‌شود را تقویت کند. به نظر کالن^۱ (۲۰۰۰)، بسیاری از اقدامات بین‌المللی شدن، که در طول دهه‌های گذشته انجام شده، نشان داده که به طور اجتناب‌ناپذیری پیامدهای بین‌المللی شدن، وابسته به محیط و به شدت تحت تأثیر شرایط سازمانی است. تحقیقات یاکوب و میک^۲ (۲۰۱۳)، مک‌دونالد^۳ (۲۰۱۴) و بسیاری دیگر از تحقیقات نشان می‌دهد که بین‌المللی شدن بر نهاد و دولت به عنوان سطح خاصی از تحلیل تأکید دارند.

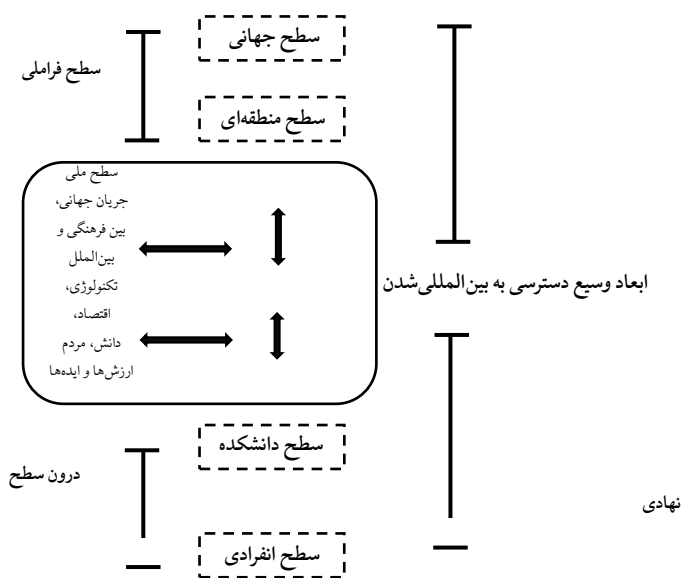
در این بخش مدل پیشنهادی مقاله با مدل‌هایی که در مورد بین‌المللی شدن آموزش عالی ارائه شده، مقایسه می‌شود. برخی از این مدل‌ها جنبه عام دارند؛ به این معنی که این مدل‌ها قابلیت کاربردی شدن در راستای بین‌المللی شدن آموزش عالی را دارد و برخی از آن‌ها فقط ویژه یک نهاد و با توجه به آن محیط خاص ارائه شده‌اند.

ساندرسون^۳ (۲۰۰۷) معتقد است بین‌المللی شدن فرایندی است که به طور کلی در دو جهت جای می‌گیرد: نخست، از بالا به پایین، و دوم، از پایین به بالا. در جهت بالا به پایین، فرایند بین‌المللی شدن از سطح جهانی شروع شده و به سطح ملی گسترش می‌یابد. در جهت پایین به بالا، این فرایند برعکس است. این دو جهت در عمل با هم تداخل دارند، چراکه بین‌المللی شدن فقط در جهات مختلف اتفاق نمی‌افتد بلکه در سطوح مختلف نیز رخ می‌دهد. علاوه بر این، بین‌المللی شدن فرایندی است که در سطوح نهادی (دانشکده و کارکنان دانشگاه)، بخش، ملی، منطقه‌ای و جهانی اتفاق می‌افتد. ساندرسون در این مدل بیان می‌کند برای اینکه فرایند پیچیده بین‌المللی شدن را بفهمیم باید تمام جنبه‌های سیاست‌گذاری (از بالا به پایین و برعکس) و همچنین متن اجرای آن در تمام سطوح را بشناسیم.

1. Callen

2. Jacob & Meek

3. Sanderson



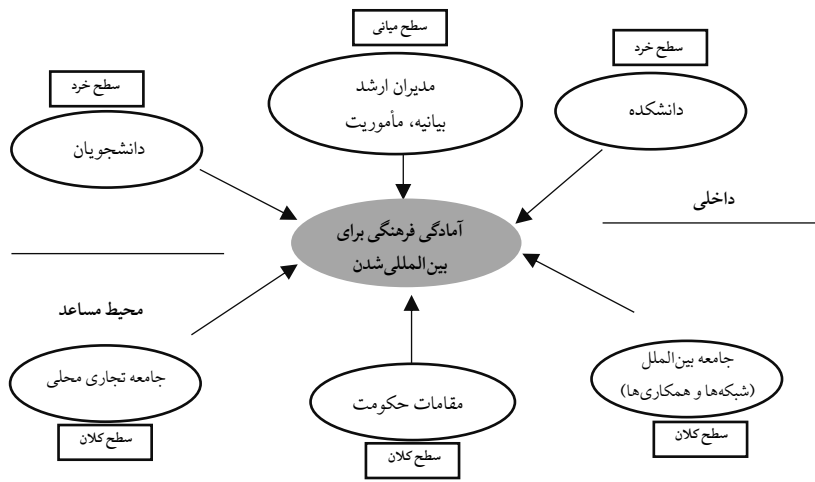
شکل شماره (۳). مدل ابعاد وسیع دسترسی به بین‌المللی شدن (ساندرسون، ۲۰۰۷)

مقایسه با مدل پژوهش

این مدل از مدل‌هایی است که جنبه فرانهادی دارد؛ بدین معنی که، نویسنده بین‌المللی شدن را فرایندی مختص به نهاد نمی‌داند بلکه نهاد، پایلوت نهایی برای اجرای سیاست‌های بین‌المللی شدن است. این امر، شباهت این مدل با مدل پیشنهادی را نیز نشان می‌دهد. در مقایسه با مدل پیشنهادی، این مدل به سطح انفرادی نیز پرداخته و بیان می‌دارد که در بین‌المللی شدن، علاوه بر سطح بخش، نهاد، ملی و بین‌المللی، باید به سطح انفرادی نیز توجه داشت. نکته‌ای که باید در مورد مدل پیشنهادی بیان کرد این است که در سطح نهاد، مؤلفه‌هایی چون فرهنگ آکادمیک، ساختار دانشگاه، مدیریت دانشگاه و استقلال آکادمیک را دربردارد، که در مدل‌های غربی بیشتر تعهد مدیریت به بین‌المللی شدن و فرهنگ آکادمیک را شامل می‌شود و مؤلفه‌هایی چون استقلال آکادمیک در آن موضوعیت ندارد؛ چراکه تقریباً در اکثر کشورهای غربی، دانشگاه نهادی مستقل می‌باشد. نکته دیگر که در ارتباط با این مدل باید بیان کرد، نقش سطح ملی در ارتباط با سطح بین‌المللی و سطح نهاد است که نقشی پررنگ و برجسته دارد و موجب تسریع بین‌المللی شدن می‌شود.



آگنو و ونبالکوم^۱ (۲۰۰۹) مدلی تحت عنوان مدل آمادگی فرهنگی برای بین‌المللی شدن ارائه می‌کنند که از سه سطح خرد (دانشکده و دانشجویان)، میانی (مأموریت، دیدگاه و مدیران دانشگاه) و کلان (حکومت ملی) تشکیل شده است. این مدل از تئوری تغییر سازمانی الهام گرفته است. هرچه تجانس بین فرهنگ دانشگاهی و محیط خارجی بیشتر باشد بین‌المللی شدن هم بیشتر به پیش می‌رود. مفروضاتی که برای این مدل بیان شده این است که فرهنگی که پذیرای بین‌المللی شدن باشد در فرایند تغییرات موفقیت آمیزتر است. شرایطی که ایجاد شده می‌تواند فرهنگ را برای تغییر طرح‌ریزی شده تقویت کند. آمادگی فرهنگی برای بین‌المللی شدن امکان پایداری در بین‌المللی شدن را افزایش می‌دهد. در سطح خرد، انگیزه دانشجویان برای حضور در دانشگاه، تقاضا برای تجربیات بین‌المللی، در سطح میانی بین‌المللی شدن به عنوان یک اولویت راهبردی، حمایت بودجه‌ای، مأموریت دانشگاه و کنار هم قرار گرفتن فرهنگ داخلی و مأموریت دانشگاه قرار دارد و در سطح کلان مقدار بودجه پیش‌بینی شده دولت، سطح اجتماعات تجاری برای آمادگی فارغ‌التحصیلان برای بازار کار، و تأثیر طرح‌های راهبردی برای ایجاد اجتماعات بین‌المللی قرار گرفته است.



شکل شماره (۴). مدل آمادگی فرهنگی برای بین‌المللی شدن (آگنو و ونبالکوم، ۲۰۰۹)

1. Agnew & Vanbalkom

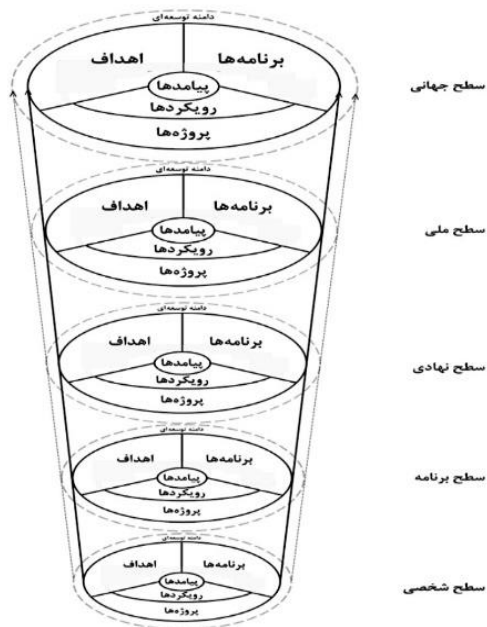
مقایسه با مدل پژوهش

این مدل در مقایسه با مدل‌هایی که بیان شد به‌طور خاص به نقش فرهنگ در بین‌المللی شدن آموزش عالی می‌پردازد. محیط بین‌الملل، حکومت و محیط محلی را در سطح کلان، دانشکده و دانشجویان را در سطح خرد و مدیران ارشد و مأموریت نهاد را در سطح میانی قرار داده است. علاوه بر شباهتی که به‌لحاظ سطوح ذکر شده در این مدل و مدل پیشنهادی وجود دارد، می‌توان به نقش فرهنگ نیز اشاره کرد. این مدل همچون مدل پژوهش بر این فرض است که آمادگی فرهنگی یکی از ملزومات ورود به بین‌المللی شدن آموزش عالی است. در واقع، همان‌طور که در این مدل نیز مشخص است، فرهنگ حلقه اتصال‌دهنده سطوح خرد، میانی و کلان است و درجه ثبات در بین‌المللی شدن را بالا می‌برد. وجه افتراقی که بین این مدل و مدل پژوهش وجود دارد این است که ارتباط سطوح خرد، میانی و کلان و تأثیری که برهم می‌توانند داشته باشند مشخص نیست. موضوع قابل ذکر دیگر، مفهوم فرهنگ است. در مدل آگنو منظور از فرهنگ، فرهنگ سازمانی است در صورتی که در مدل پژوهش فرهنگ فراتر از فرهنگ سازمانی است و مفهومی گسترده‌تری دارد.

ژو^۱ (۲۰۱۶) بین‌المللی شدن را به‌عنوان سیستمی پویا می‌بیند و بر این اساس، مدلی تحت عنوان چارچوب پویا برای بین‌المللی شدن آموزش عالی ارائه می‌دهد. در این مدل، بین‌المللی شدن آموزش عالی در پنج سطح اتفاق می‌افتد. نخستین و گسترده‌ترین سطح، سطح جهانی است که در آن بین‌المللی شدن در بافتار جهانی اتفاق می‌افتد؛ مانند مهارت‌های ضروری برای دانشجویان در قرن ۲۱، توسعه اقتصاد جهانی و تکنولوژی که در سراسر کشورها اتخاذ می‌شود. سطح دوم، سطح ملی است که منعکس‌کننده وضعیت منحصر به فرد و ملزومات بین‌المللی شدن در کشور خاص است. این سطح موضوعاتی چون روند جابجایی دانشجویان ملی یا ارتباطات بین فرهنگی بین کشورها را شامل می‌شود. سطح سوم، سطح نهادی است که به بین‌المللی شدن در مؤسسات به‌صورت جدا تأکید دارد و مواردی چون مأموریت نهاد برای بین‌المللی شدن یا برنامه‌های بین‌المللی متنوع در سطح دانشگاه را شامل می‌شود. چهارمین سطح، سطح برنامه است که تعاریف خاص و ملزومات بین‌المللی شدن در حوزه‌های مختلف را مشخص می‌کند. سطح پنجم، سطح شخصی است و به فعالیت‌ها و



مهارت‌های فردی در بین‌المللی شدن اشاره دارد. تمام سطوح از پنج جزء تشکیل شده‌اند: اهداف، برنامه‌ها، رویکردها، پروژه‌ها و پیامدها.



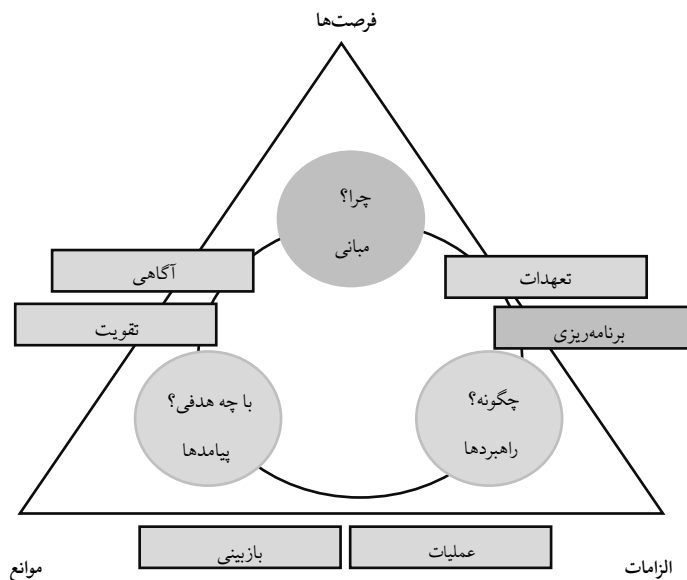
شکل شماره (۵). مدل دینامیک بین‌المللی شدن (ژو، ۲۰۱۶)

مقایسه با مدل پژوهش

این مدل نسبت به مدل‌های بیان شده از جامعیت بیشتری برخوردار است. همان‌طور که در شکل این مدل مشخص است بین‌المللی شدن به مثابه قیفی در نظر گرفته شده که یک‌سر این قیف سطح بین‌الملل و انتهای آن سطح انفرادی است. در مقایسه این مدل با مدل پژوهش باید گفت که در این مدل دو سطح برنامه‌ای و انفرادی نسبت به مدل پیشنهاد شده اضافه‌تر است که جامعیت این مدل را نشان می‌دهد. سطح محیط داخلی و حکومت که در مدل پژوهش آمده به نوعی با سطح ملی که در این مدل ذکر شده هم‌پوشانی دارد. بحث اساسی این دو مدل این است که بین‌المللی شدن آموزش عالی فقط مختص نهاد آموزش عالی نیست، بلکه



بین‌المللی شدن فرایندی چندسطحی است که هر سطح پیامدهایی دارد که با سطح دیگر مرتبط است. بین‌المللی شدن بدون در نظر داشتن ارتباط این سطوح به هم موفقیت‌آمیز نخواهد بود. تفاوتی که بین دو مدل وجود دارد جایگاه فرهنگ و تأثیری است که در فرایند بین‌المللی شدن دارد. نقش فرهنگ در مدل پیشنهادی نسبت به این مدل پررنگ‌تر است.



شکل شماره (۶). مدل دلتا برای بین‌المللی شدن (رامبلی، ۲۰۱۰)

مدل دلتا برای بین‌المللی شدن توسط رامبلی^۱ (۲۰۱۰) و با به‌کارگیری آن در چهار دانشگاه اسپانیا ارائه شده که الهام‌گرفته از چرخه بین‌المللی شدن نایت می‌باشد. این مدل برای فهم و تحلیل بین‌المللی شدن در سطح نهادی است. مدل دلتا بین‌المللی شدن را به‌عنوان یک چرخه مداوم می‌داند و شش مرحله را که نهاد باید برای طی کردن بین‌المللی شدن ببیماید را بیان می‌کند: آگاهی، تعهد، برنامه‌ریزی، عملیات، بازبینی، تقویت. این چرخه، طیف گسترده‌ای از مسائل پویا و پیچیده را در شکل واضح و مختصر با به‌تصویرکشیدن بین‌المللی شدن به‌عنوان فرایندی چرخه‌ای و پویا ارائه کرده است. در مرکز این مدل مفهوم اساسی بین‌المللی شدن نشان‌دهنده

1. Rumbley



کارکرد تغییر نهادی علیه جریان محیط جهانی است. چرخه دلتا تسهیل کننده ابزار مقایسه و نقد به عنوان سؤال اصلی است که چرا دانشگاه‌ها انگیزه دارند بین‌المللی شوند؟ محدوده عمل اقداماتی که در این زمینه انجام می‌شود، همچنین مقیاس اثرات، پیامدها و منطق اقدامات نهادی در این مدل ذکر می‌شود. او در این مدل بیان می‌کند که سه عامل محیطی بر محدوده فرایند بین‌المللی شدن تأکید می‌کنند که شامل فرصت‌ها، الزامات و موانع می‌باشند.

مقایسه با مدل پژوهش

در مدل دلتا بر بین‌المللی شدن به عنوان فرایندی نهادی نگریسته شده که البته عامل‌های محیطی بیرون این نهاد بر روند بین‌المللی شدن تأثیر دارند. این امر از این جهت که علاوه بر عوامل نهادی عوامل محیطی نیز در فرایند بین‌المللی شدن تأثیر دارند، با مدل پیشنهادی مقاله شباهت دارد. در واقع، این امر با مدل پیشنهادی از این جهت مشترک است که فرایند بین‌المللی شدن را فرایندی می‌داند که لایه‌های متعددی در آن دخیل هستند و در تعیین راهبردها و حرکت نهاد به سمت بین‌المللی شدن ناگزیر به عوامل بیرونی باید نگاه کرد. منظور از فرهنگ، فرهنگ سازمانی است و بر اهمیت فرهنگ پذیرنده نهاد در موضوع بین‌المللی شدن تأکید دارد که با مدل پیشنهادی وجه افتراق دارد؛ چرا که در مدل پیشنهادی، فرهنگ محدود به سازمان نیست و باید در فرایند بین‌المللی شدن به فرهنگ و رای سازمان نیز توجه کرد. در این مدل، سطح حکومت و محیط داخلی کم‌رنگ نشان داده شده است که با توجه به مهم بودن این دو سطح در ایران به کارگیری این مدل برای نظام آموزش عالی، باعث عدم دستیابی به بین‌المللی شدن جامع خواهد شد.

۵. نتیجه‌گیری

بین‌المللی شدن آموزش عالی نیازمند تغییرات برجسته‌ای در سیستم و نهادهای آموزش عالی است. بین‌المللی شدن در کنار مزایایی که به همراه دارد پیامدهای ناخواسته‌ای نیز دارد. کارگزاران سیستم آموزش عالی در سطح ملی باید بین‌المللی شدن را در متن خاص محیط ساختاری و مفهومی حوزه عملیاتی‌شان تفسیر کنند (گوری^۱، ۲۰۱۵، ۱۴). سیاست‌ها و فرایند بین‌المللی شدن در هر کشور و دانشگاهی متفاوت است و هر کشور با تناسب به ظرفیت داخلی خود می‌بایست در این مسیر گام بردارد.

با توجه به شرایط بین‌المللی شدن در ایران می‌توان بیان کرد که هنوز بین‌المللی شدن در سیستم آموزش عالی به‌عنوان یک اولویت و ضرورت در نظر گرفته نشده است. سیاست‌های مقطعی، بی‌برنامه، شتاب‌زده و نبود اهتمام کامل سیاست‌گذاران آموزش عالی به این موضوع، نتیجه‌ای جز عدم‌دستیابی کامل به بین‌المللی شدن آموزش عالی و بهره‌گیری از مزایای آن نخواهد داشت. بین‌المللی شدن با این باور که مسئولیتی مازاد است به ثمر نمی‌رسد بلکه پایداری بین‌المللی شدن ملزم به ادغام آن در مأموریت‌های اصلی دانشگاه و درگیر شدن دانشگاه به‌طور وسیع است (هودزیک، ۲۰۱۲).

اکنون زمان آن رسیده که به‌جای شوق دستیابی به بین‌المللی شدن، حکومت و دانشگاه بر واقعیت تمرکز کرده، ضعف‌ها را شناسایی و بر قوت خود بیفزایند (لاوانکورا، ۲۰۱۳، ۶۷۳). براساس یافته‌های این مقاله، برای اجرای بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران ضمن ایجاد زیرساخت‌های لازم، نیازمند استفاده از سیاست فرهنگی هستیم که در این پژوهش به چهار سطح آن اشاره شد. این سطوح باید به‌صورت یک مجموعه به‌هم پیوسته و پویا در نظر گرفته شود تا بتوان شرایط فرهنگی پذیرش بین‌المللی شدن را در دانشگاه‌های کشور و محیط داخلی آماده کرد. تدوین سیاست فرهنگی برای بین‌المللی شدن دو فایده می‌تواند داشته باشد: (۱) شرایط تسریع و تسهیل این فرایند را برای نظام آموزش عالی کشورمان ایجاد می‌کند، و (۲) از تضادها و تقابل فرهنگی که در طی این فرایند در آینده برای دانشگاه‌ها و دیگر سطوح جامعه ممکن است شکل گیرد، جلوگیری می‌کند. همان‌گونه که یافته‌های کیفی و کمی نشان داد، ارتقای سیاست فرهنگی برای بین‌المللی شدن در غیاب گشودگی ساختارها و تعهد مدیران غیرممکن است (ذاکرسالحی، ۱۳۹۷، ۳۰۷).

هرگونه سیاست بین‌المللی شدن آموزش عالی تأثیرات هم‌افزا و متقابل مقوله حکمرانی، محیط بین‌الملل، فرهنگ ملی و محیط خاص آموزش عالی (دانشگاه‌ها) را باید موردنظر قرار دهد. این‌ها ابعاد مدلی هستند که در آزمون مقاله حاضر برآزش لازم را کسب نمودند. پیشنهاد محققان نیز توجه نهادهای سیاست‌گذار به پیچیدگی‌ها و پویایی‌های نهفته در ذات ابعاد بین‌المللی شدن است. رویکرد بخشنامه‌ای به این موضوع، بی‌اعتنایی به این پویایی‌ها و ساده‌کردن بیش‌ازحد مسئله است. اکنون بیش از گذشته باید به تحول در بافتار فرهنگی ایران فکر



کنیم. خمیرمایه اصلی بین‌المللی شدن آموزش عالی، تغییری از جنس فرهنگ است. پس نیازمند یک سیاست فرهنگی مدون و مطالعه‌شده بر اساس اقتضانات بومی است.

یافته‌ها نشان دادند که بین‌المللی شدن یک فرایند است (نه یک پروژه). نظام آموزش عالی فعلی برای تحول و عقب نیفتادن از مزایای آن، بایسته‌های فرهنگی گوناگونی را باید در چارچوب سیاست‌های فرهنگی اجرا کند. چنین ایده‌ای تنها با نگرشی کل‌گرا و سیستمی میسر است که در مدل پیشنهادی مقاله بازنمایی شده است. در اتخاذ سیاست‌های فرهنگی سطح حکومت تا دانشگاه را باید در نظر گرفته شوند. امروزه توجه به بین‌المللی شدن آموزش عالی از منظر فرهنگی در راهبردهای دانشگاه بسیاری از کشورها قرار گرفته است. استفاده از تجارب موفق دانشگاه‌های کشورهای دیگر در امر سیاست‌گذاری فرهنگی بین‌المللی شدن آموزش عالی، بهتر می‌تواند به ما کمک نماید.

در پایان، برای شناسایی و سیاست‌گذاری دقیق در این زمینه پیشنهاد می‌شود که با محوریت دانشگاه‌های مختلف در نظام‌های گوناگون (پزشکی، غیرپزشکی، صنعتی، جامع، هنر، غیرانتفاعی، فنی و حرفه‌ای و...) به صورت جزئی بایسته‌های فرهنگی برای ورود به بین‌المللی شدن شناسایی شود تا بتوان در سطح میانی و خرد نیز سیاست‌گذاری فرهنگی هوشمندانه‌ای انجام داد.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۹۴

دوره ۱۰، شماره ۲
بهار ۱۳۹۷
پیاپی ۳۸

فهرست منابع

- ابراهیم آبادی، حسین (۱۳۹۴). سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش عالی: ایده، تجربه و عمل. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- خراسانی، اباصلت (۱۳۹۵). بین‌المللی‌سازی آموزش عالی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۹۴). تحلیل مبانی نظری و اهداف بین‌المللی‌شدن آموزش عالی. فصلنامه آموزش عالی ایران، ۷(۳)، ۶۰-۲۷.
- خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۹۵). آموزش عالی بین‌المللی: استراتژی‌ها و شرایط امکان. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- ذاکرحالهی، غلامرضا (۱۳۹۵). آموزش عالی و جذب دانشجویان خارجی. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ذاکرحالهی، غلامرضا (۱۳۹۷). مسائل آموزش عالی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- صالحی‌عمران، ابراهیم؛ و کرمخانی، زینب (۱۳۹۳). بررسی جایگاه بین‌المللی‌شدن آموزش عالی در اسناد فرادستی و سهم ایران در آموزش عالی بین‌المللی در مقایسه با سایر کشورها. ششمین همایش انجمن آموزش عالی ایران: توسعه آموزش عالی فوآموزی: فرصت‌ها و چالش‌ها، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
- ماحوزی، رضا (۱۳۹۵). ابعاد فرهنگی و اجتماعی بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها: وضعیت ایران و تجربه جهانی. تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی وزارت علوم.
- مرشدی، ابوالفضل؛ و خلیج، حسین (۱۳۹۲). ارزیابی سیاست‌های فرهنگی آموزش عالی کشور: کثرت در وحدت فرهنگی / همزیستی فرهنگ علمی و دینی. برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۴، ۱۴۴-۱۰۷.
- نبوی، عبدالامیر (۱۳۹۲). دانشگاه آرمانی در جمهوری اسلامی. منتشر شده در کتاب مجموعه مقالات فرهنگ، دانشگاه و پژوهش (به کوشش رضا ماحوزی)، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران.
- نظرزاده‌زارع، محسن؛ پورکریمی، جواد؛ ابیلی، خدایار؛ و ذاکرحالهی، غلامرضا (۱۳۹۵). ارائه الگوی شایستگی اعضاء هیئت علمی در تعاملات بین‌المللی: یک مطالعه پدیدارشناسانه. فصلنامه سیاست علم و فناوری، ۸(۳)، ۳۸-۲۵. doi: 10.22034/jstp.2016.8.3.535288
- نیک‌بین، محمد؛ ذاکرحالهی، غلامرضا؛ و ماحوزی، رضا (۱۳۹۶). الگوی بین‌المللی‌شدن آموزش عالی از منظر سیاست فرهنگی. فصلنامه سیاست علم و فناوری، ۹(۳)، ۶۰-۴۵. doi: 10.22034/jstp.2017.9.3.537785



- Agnew, M., & Van Balkom, W. D. (2009). Internationalization of the university: Factors impacting cultural readiness for organizational change. *Intercultural Education*, 20(5), 451-462. doi: 10.1080/14675980903371324
- Altbach, P. (2015). Knowledge and education as international commodities. *International Higher Education*, 28, 1-4. doi: 10.6017/ihe.2002.28.6657
- Bartell, M. (2003). Internationalization of universities: A university culture-based framework. *Higher Education*, 45(1), 43-70. doi: 10.1023/a:1021225514599
- Bedenlier, S., Kondakci, Y., & Zawacki-Richter, O. (2017). Two decades of research into the internationalization of higher education: Major themes in the Journal of Studies in International Education (1997-2016). *Journal of Studies in International Education*, 22(2), 108-135. doi: 10.1177/1028315317710093
- Callan, H. (2000). Higher education internationalization strategies: Of marginal significance or all-pervasive? The international vision in practice: A decade of evolution. *Higher Education in Europe*, 25(1), 15-23. doi: 10.1080/03797720050002161
- Chan, S. J. (2013). Internationalising higher education sectors: Explaining the approaches in Four Asian countries. *Journal of Higher Education Policy and Management*, 35(3), 316-329. doi:10.1080/1360080x.2013.786854
- De Wit, H., & Hunter, F. (2015). "Trends, issues and challenges in internationalization of higher education", in *Routledge Handbook of International Education and Development* ed. Simon McGrath and Qing Gu (Abingdon: Routledge, 06 Aug 2015).
- Gray, C. (1996). Comparing cultural policy: A reformulation1. *The European Journal of Cultural Policy*, 2(2), 213-222. doi: 10.1080/10286639609358015
- Guri-Rosenblit S. (2015) Internationalization of Higher Education: Navigating Between Contrasting Trends. In: Curaj A., Matei L., Pricopie R., Salmi J., Scott P. (eds) *The European Higher Education Area*. Springer:Cham.13-26. doi: 10.1007/978-3-319-20877-0_2
- Harris, S. (2008). Internationalising the university. *Educational Philosophy and Theory*, 40(2), 346-357. doi: 10.1111/j.1469-5812.2007.00336.x
- Hudzik, J. K. (2012, January23). More action, not just talk on higher education internationalization. retrieve from <https://www.chronicle.com/blogs/worldwise/more-action-not-just-talk-on-higher-education-internationalization/29068>
- Jacob, M., & Meek, V. L. (2013). Scientific mobility and international research networks: Trends and policy tools for promoting research excellence and capacity building. *Studies in Higher Education*, 38(3), 331-344. doi: 10.1080/03075079.2013.773789





- Jiang, X. (2008). Towards the internationalisation of higher education from a critical perspective. *Journal of Further and Higher Education*, 32(4), 347-358. doi: 10.1080/03098770802395561
- Knight, J. (2015). Updated definition of internationalization. *International Higher Education*, 33, 2-3. doi: 10.6017/ihe.2003.33.7391
- Lacatus, M. L. (2013). Organizational culture in contemporary university. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 76, 421-425. doi: 10.1016/j.sbspro.2013.04.139
- Lavankura, P. (2013). Internationalizing higher education in Thailand. *Journal of Studies in International Education*, 17(5), 663-676. doi: 10.1177/1028315313478193
- Leading internationalization: about CIGE. (2017, Nov9). retrieve from <http://www.acenet.edu/news-room/Pages/CIGE-About.aspx>
- Lopez, V., & Kambutu, J. (2011). Multicultural education within the era of internalization and globalization. *Multicultural Perspectives*, 13(1), 3-4. doi: 10.1080/15210960.2011.548173
- Lumby, J., & Foskett, N. (2015). Internationalization and culture in higher education. *Educational Management Administration & Leadership*, 44(1), 95-111. doi: 10.1177/1741143214549978
- MacDonald, L. (2014). Understanding difference in the internationalization of higher education: A comparative study. *Sociology Major Research Papers*, 5, 1-78
- Mertkan, S., Gilanlioglu, I., & Mcgrath, S. (2016). Internationalizing higher education: From grand plans to evolving responses. *Journal of Organizational Change Management*, 6(29), 889-902 doi: 10.1108/JOCM-10-2015-0185
- Mertova, P. (2013). Internationalisation in higher education through a 'critical event' narrative inquiry: Perspectives from three higher education systems. *Studia Paedagogica*, 18(4), 115-128. doi: 10.5817/SP2013-4-7
- Noorda, S. (2014). Internationalization in higher education: Five uneasy question. *Humboldt Ferngesprache*, discussion paper, 2, 1-18.
- Nussbaumer, A. (2013). Organizational culture and internationalization: A brief literature review. *Canadian Bureau for International Education (CBIE)*.
- Robson, S. (2016). Becoming international: Academic perceptions and practices of internationalising higher education. *ECER 2016, Leading Education: The Distinct Contributions of Educational Research and Researchers Conference*, Dublin University, North Irland.
- Robson, S., Almeida, J., & Schartner, A. (2017). Internationalization at home: Time for review and development?. *European Journal of Higher Education*, 8(1), 19-35. doi: 10.1080/21568235.2017.1376697

- Rumbley, L. (2010). Internationalization in the universities of Spain: Changes and challenges at four institutions. In F. Maringe, & N. Foskett, (Ed.), *Globalization and Internationalization in Higher Education: Theoretical Strategic and Management Perspectives* (1st ed.; pp. 207-225), Continuum International Publishing Group, London & New York.
- Ryan, J. (Ed.). (2012). *Cross-cultural teaching and learning for home and international students: Internationalisation of pedagogy and curriculum in higher education*. USA: Routledge.
- Sanderson, G. (2007). A foundation for the internationalization of the academic self. *Journal of Studies in International Education*, 12(3), 276-307. doi: 10.1177/1028315307299420
- Sporn, B. (1996). Managing university culture: An analysis of the relationship between institutional culture and management approaches. *Higher Education*, 32(1), 41-61. doi: 10.1007/bf00139217
- Valiulis, A. V., & Valiulis, D. (2009). Engineering education quality assurance: The essential pillar of higher education reform in lithuania. In: Patil A., Gray P. (eds) *Engineering Education Quality Assurance*, Springer.191-198. doi:10.1007/978-1-4419-0555-0_15
- Vidal-Suárez, M., González-Díaz, B., & López-Duarte, C. (2013). National culture and internationalization processes: How much do we know? 1-24. available on <http://www3.eeg.uminho.pt/economia/nipe/iibc2013/4.3.pdf>
- Xian, H. (2008), "Lost in translation? Language, culture and the roles of translator in cross-cultural management research", *Qualitative Research in Organizations and Management: an International Journal*, 3 (3), 231-245. doi: 10.1108/17465640810920304
- Yemini, M., & Sagie, N. (2016). Research on internationalisation in higher education – exploratory analysis. *Perspectives: Policy and Practice in Higher Education*, 20(2-3), 90-98. doi: 10.1080/13603108.2015.1062057
- Yonezawa, Y. (2017). Internationalization management in Japanese universities: The effects of institutional structures and cultures. *Journal of Studies in International Education*, 21(4), 375-390. doi: 10.1177/1028315317706412
- Zhou, J. (2016). A dynamic systems approach to internationalization of higher. *Journal of International Education and Leadership*, 6(1), 1-14.

